## پیشخوان

### «اسرار حمله متفقین به ایران» در آیینه یک اثر نوانتشار

## مهمانان ناخوانده!

■ شاهد توحیدی

اثر تاریخی پژوهشی «اسرار حمله متفقین به ایران» تألیف علی قلی مجد و ترجمه علی‌اکبر رنجبر کرمانی در عداد جدیدترین پژوهش‌هایی است که در موضوع خود، از سوی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران منتشر شده است. آغازین بخش‌های مقدمه این پژوهش، نمایانگر اهمیت موضوعی است که سراسر کتاب درصدد نور تاباندن بدان است:

«۲۵ آگوست ۲۰۱۱، هفتادمین سالروز حمله نیروهای مسلح روس و انگلیس به ایران با نام رمز «عملیات دیدار» است. اشغال ایران از سوی متفقین و در پیامد آن، برکناری شاه وقت و جایگزینی ولیعهد او، یکی از مهم‌ترین و قابل توجه‌ترین رخدادهای تاریخ معاصر ایران است؛ و در عین حال آنطور که باید و شاید به آن پرداخته نشده است. تاریخ ایران در دوره پیش از ظهور رضاشاه و برآمدن سلسله پهلوی در سال‌های ۱۹۲۰، نسبتاً به خوبی مورد بررسی و مداقه قرار گرفته است، اما تاریخ سال‌های پایانی حکومت رضاشاه، نفرت مردم از او، حمله متفقین به کشور، فروپاشی سریع رژیم رضاشاه و سقوط او، و جانشینی پسرش، محمدرضاشاه، عملاً بدون بررسی دقیق باقی مانده و پرده از حقایق و دقایق آن برداشته نشده است. ارزیابی درست و معنادار از رضاشاه و حکومت او، بدون بررسی و مطالعه سال‌های پایانی سلطنت او و طرز سقوط او ممکن نیست. همچنین ارزیابی درست از دوران محمدرضاشاه، بدون مطالعه و بررسی و تحقیق دقیق درباره آغاز شوم و نکبت‌بار سلطنت او نیز امکانپذیر نیست. این کتاب اولین تاریخ دقیق و مستند از این وقایع به زبان انگلیسی

۱۳۲۰. نمایی از کنفرانس تهران با حضور سران امریکا، انگلیس و شوروی

است و امید است که گامی در راه پر کردن این خلأ آشکار در تاریخ ایران در جنگ‌جهانی دوم باشد. با اینکه از آغاز جنگ‌جهانی دوم ایران بارها و بارها اعلام بی‌طرفی کرده بود، در سپیده‌دم ۲۵ آگوست ۱۹۴۱، اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا به این کشور حمله کردند. اگرچه «پاسخ غیرقابل قبول» ایران به اتمام حجت انگلیس و روسیه برای اخراج فوری اتباع آلمان از ایران، دلیل این حمله دانسته شده است، اما روشن است که اساساً پاسخ ایران اهمیتی نداشت و هر پاسخی ایران می‌داد باز هم اشغال می‌شد و این کشور را گریزی از ورودی نیروهای شوروی و انگلیس نبود. روس‌ها از سه نقطه در دو سوی دریای خزر حمله کردند و فقط ظرف سه روز تمام شمال کشور، از جمله شهرهای تبریز، رشت و مشهد را اشغال کردند و تا قزوین پیش آمدند و در آنجا پیشروی خود را موقتاً متوقف کردند. نیروهای بریتانیا نیز از سه نقطه در جنوب‌غربی و غرب ایران وارد خاک این کشور شدند. یک ستون ارتش انگلیس از بصره و ستون دیگر از خانقین به ایران حمله کردند؛ علاوه بر این، نیروهای هوابرد و نیروهای آبی خاکی انگلیسی، بندر شاهپور در خلیج‌فارس را مورد حمله قرار دادند. ارتش و نیروی دریایی ایران کاملاً غافلگیر شدند و نیروی دریایی کوچک ایران نیست و نابود شد. همانند هجوم روسیه، پیشروی نیروهای بریتانیا در ایران نیز تند و سریع بود و نیروهای انگلیسی در کمتر از ۳۶ ساعت، آبادان و پالایشگاه نفت آن و بندرهای شاهپور و خرمشهر را گرفتند و ظرف سه روز تمام مناطق نفتی ایران در جنوب‌غرب، از جمله شهر اهواز را اشغال کردند. همین ماجرا در منطقه قصرشیرین در استان کرمانشاه تکرار شد، و نیروهای بریتانیا در ۲۹ آگوست ۱۹۴۱ ظفرمندانه وارد کرمانشاه شدند.

در ۳۱ آگوست سال ۱۹۴۱، عناصری از نیروهای پیروز انگلیس و روسیه در مراسمی در قزوین ملاقات کردند و در واقع دیدار با یکدیگر را در ایران جشن گرفتند. اشغال ایران در سال ۱۹۴۱، در واقع تکمیل و اجرای قراردادهای ۱۹۱۵، ۱۹۰۷ روس و انگلیس در تقسیم ایران بود؛ البته این‌بار کفه اشغال بیشتر به نفع بریتانیا بود....»

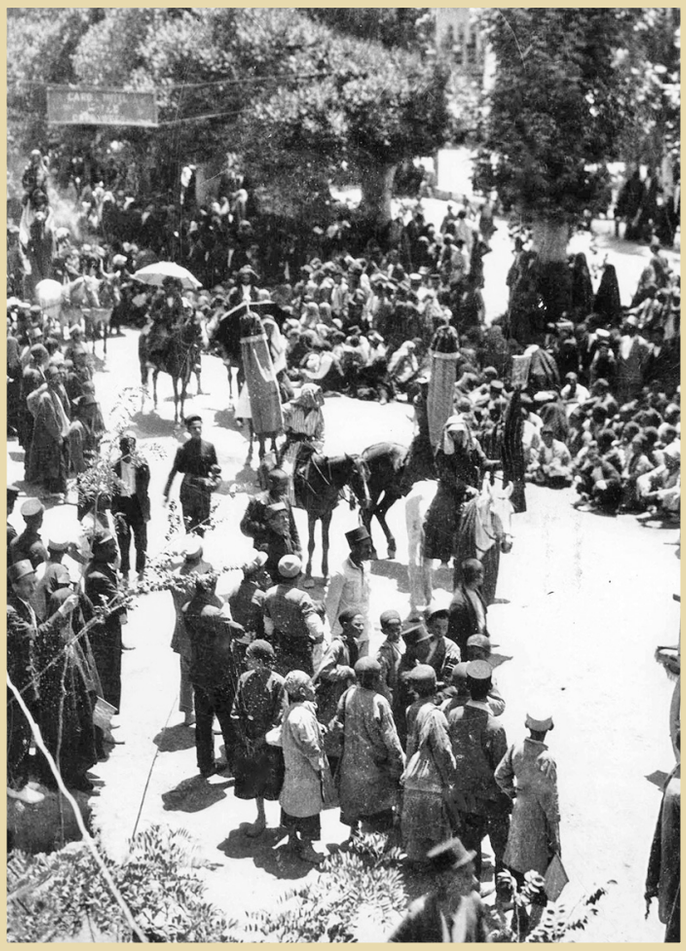

نمایی از اجرای یک تعزیه در شهر اصفهان در دوره قاجار

### نظری تاریخی بر کارکرد اماکن عمومی در تحولات اجتماعی ایران

# نهادهای سنتی بسترساز تغییرات اجتماعی و سیاسی

■ رحیم فلاح

**مقالی که پیش روی دارید، بازخوانی شکل و محتوای نهادهای مدنی سنتی در ایران را در دستور کار خویش قرار داده است. از این روی که ایران در طول تاریخ در سایه حکومت‌های استبدادی و وابسته زیسته و مجالی برای تشکیل رسمی و قانونی نهادهای مدنی وجود نداشته است، بسترهای سنتی مورد توجه جامعه بوده و هماره نیز تاریخ‌ساز و مؤثر واقع شده است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.**

■■■

■ **نقش نهادهای غیررسمی در دوران فقدان نهادهای رسمی**

در جامعه‌ای که نهادهای رسمی توسط حکومت‌ها یا دولت‌های خارجی و به‌گونه‌ای صوری به‌وجود می‌آیند، طبعاً اینگونه تشکل‌ها نماینده مردم نخواهند بود. در چنین شرایطی روابط اجتماعی واقعی، در مکان‌هایی دیگر و به صورت شبکه‌ای شکل می‌گیرد. این شبکه با رد این نهادهای صوری و رسمی، جنبه‌ای غیررسمی و اغلب سنتی به‌خود می‌گیرد. روابط اجتماعی در ایران - که معمولاً هر عضوی از جامعه به نحوی در آن دخیل است- می‌تواند غیررسمی باشد، زیرا حتی اگر بر این باور نباشیم که در تقابل با شبکه رسمی قرار می‌گیرد، می‌توان آن را سنتی خواند؛ چراکه مبنی بر نهادها و روابطی است که قبل از سده بیستم پدید آمده‌اند.

■ **خاستگاه‌های روابط اجتماعی سنتی در ایران**

اماکن عمومی، یعنی جاهایی که در آنها می‌تواند گردهمایی‌های غیررسمی صورت گیرد. برای مثال می‌توان به مکان‌هایی مانند مساجد، بازار، قهوه‌خانه‌ها، گرمابه‌های عمومی و غیره اشاره کرد. مهم‌ترین این اماکن بازار است، وجود مساجد، مدارس دینی، گرمابه‌های عمومی، قهوه‌خانه‌ها، در بازار که محل تجمعات مردمی و غیررسمی می‌باشد، شاهدی بر این مدعاست. مراسم‌های مذهبی و عمومی نیز در این مکان مهم برگزار می‌شدند.

**در مکان‌هایی از قبیل بازار، قهوه‌خانه، گرمابه، حسینیه، مسجد و...، افراد مختلف جامعه با هم ارتباط برقرار کرده و در فعالیت‌های کم و بیش متشکل و رسمی مشارکت می‌جستند. این فعالیت‌ها که معمولاً هدفمند بودند، علاوه بر عمل به احکام دینی، موجب ایجاد پیوند اجتماعی و روابط تجاری و تسلط و تعلق می‌شدند. اکثر این فعالیت‌ها - که آشکارا سرشت دینی دارند- بر مبنای بزرگداشت شهادت امام حسین(ع) صورت می‌گرفت**

علاوه بر شهرنشینان، تأثیر بازار بر روستاییان نیز قابل‌توجه است. برای دهقانی که به بازار می‌رود، بازار مکان کسب اعتبار برای خویش و رتق و فتق مسائل و شرکت در تجمعات عمومی است. در دل بازار، نقش قهوه‌خانه‌ها قابل‌توجه بوده است، در ایران قهوه‌خانه‌های زیادی، چه در شهرها و چه در روستاها وجود داشته‌اند. در قهوه‌خانه، تجار و کسبه بازار و مشتریان آنها، می‌توانستند با هم ارتباط برقرار کنند. این ارتباط در واقع یکی از مشخصات مهم بازار است. قهوه‌خانه‌ها همچنین، در حیات فرهنگی و دینی نقش مهمی داشتند. برخی از آنها به‌وسیله نقالانی اداره می‌شدند که معروف‌ترین اشعار ادبیات فارسی را از بر می‌خواندند. در روزهای جشن و عزاداری، نقالی جای خود را به روایات و حکایات مذهبی می‌داد. قابل‌توجه است که اولین دستگاه‌های رادیو و تلویزیون در ایران، در قهوه‌خانه‌ها مستقر شدند.

محل عمومی دیگر مرتبط با شبکه سنتی غیررسمی، باشگاه‌های ورزش‌های سنتی و زورخانه‌ها بودند. زورخانه‌ها تنها یک محل ورزشی قلمداد نمی‌شدند، بلکه در مجموعه‌ای از طبقه شهری نزدیک به اصناف پیشه‌ور قرار می‌گرفتند. هدف زورخانه‌ها تعلیم اخلاق بود و ورزشکاران باید مقصودشان حمایت از ضعفا، احترام به بزرگان و دفاع از میهن بود. اعضای زورخانه‌ها معمولاً در میان مردم شناخته شده بودند و درجاتی داشتند. عنوان لوطی به مردان قوی محله که از ضعیفان حمایت کرده و اخلاق را نشر می‌دهند، اطلاق می‌شد. سبیل کلفت و کلاه لبه‌دار از مشخصات ظاهری آنهاست. داش (برادر)، درجه‌ای پایین‌تر از لوطی داشت. جاهل؛ به جوانی که معمولاً زیاد جوانی می‌کند، اما به‌تدریج با بالا رفتن سنش می‌تواند تجربه کسب کرده و جای لوطی را بگیرد، گفته می‌شد. این مردان که فلسفه زندگی‌شان، تا اندازه‌ای شبیه فلسفه شهسواران قرون وسطی (شوالیه‌ها) است، معمولاً مبدل به پهلوانان و قهرمانانی ملی می‌شدند و باید نمونه کاملی از مرد (یا جوانمرد) بودند.

از مکان‌های مهم دیگر، حسینیه‌ها بودند که معروف‌ترین آنها، حسینیه ارشاد تهران است که نقش مهمی در ظهور انقلاب اسلامی ایفا کرد. حسینیه معمولاً جایی است که برای عزاداری ایجاد شده است. آیت‌الله مطهری می‌گوید: «هدف از ایجاد حسینیه ارشاد پاسخگویی به نیازهای جوانان امروز و معرفی ایدئولوژی اسلامی است.» همایش‌ها و کنفرانس‌هایی که انقلابیون مسلمان در این مرکز ترتیب دادند، افراد زیادی را جلب کرد و باعث مردمی کردن انقلاب اسلامی در ایران شد. حکومت شاه با بستن حسینیه ارشاد نسبت بدان واکنش نشان داد، اما این اقدام مانع انتشار سخنرانی‌ها و کنفرانس‌های آن مرکز به شکل نوار و کتاب نشد.

■ **مذهب بن‌مایه شکل‌گیری نهادهای اجتماعی سنتی**

در مکان‌های ذکر شده (بازار، قهوه‌خانه، گرمابه، حسینیه و مسجد) افراد مختلف جامعه با هم ارتباط برقرار کرده و در فعالیت‌های کم‌وبیش متشکل و رسمی مشارکت می‌جستند. این فعالیت‌ها که معمولاً هدفمند بودند، علاوه بر عمل به احکام دینی، موجب ایجاد پیوند اجتماعی و روابط تجاری و تسلط و تعلق می‌شدند. اکثر این فعالیت‌ها - که آشکارا سرشت دینی دارند- بر مبنای بزرگداشت شهادت امام حسین(ع) صورت می‌گرفت. تعزیه یکی از فعالیت‌های فرهنگی و نمایشی است که خصایل امام و یارانش را نشان می‌دهد. این نمایش معمولاً در ماه محرم برگزار می‌شود. همه افراد جامعه، چه شهری و چه روستایی در تدارک و نگهداری محل برگزاری آن همکاری می‌کردند. برگزاری تعزیه به عهده هیئت‌های مذهبی و اصناف بازار بود. روضه‌خوانی نیز از جمله فعالیت‌هایی است که در ماه محرم و ایام سوگواری دیگر برگزار می‌شود. افراد روحانی یا غیر روحانی در مقابل گروهی از مدعوین بیاناتی ایراد می‌کنند که درباره شهادت امام حسین(ع) است. یکی از نمونه‌های جالب اینگونه مراسم، روضه‌خوانی آیت‌الله طالقانی است که چندی قبل از قیام ۱۵ خرداد صورت گرفت و طی آن، این شبکه غیررسمی علیه شاه و برنامه‌های او شوریدند. متن آن از این قرار بود که: «پیامبر فرموده است اگر سلطانی ستمگر به وعده‌های الهی عمل نکند و در میان مردم دست به گناه بزند، این وظیفه همه مردم است، با آگاهی از این امر با وی مخالفت و سعی کنند نظر وی را برگردانند؛ از راه پند یا از راه اقدام....» در بافت تاریخی این سخنرانی‌ها، محتوای سیاسی آن کاملاً عیان است.

دهه ۴۰. شهید آیت‌الله مرتضی مطهری در حال سخنرانی در حسینیه ارشاد تهران

**یکی از نهادهای دیرین سیاسی، اما غیررسمی، حسینیه‌ها بودند که معروف‌ترین آنها در تاریخ معاصر، حسینیه ارشاد تهران است که نقش مهمی در ظهور انقلاب اسلامی ایفا کرد. آیت‌الله مطهری می‌گوید: «هدف از ایجاد حسینیه ارشاد، پاسخگویی به نیازهای جوانان امروز و معرفی ایدئولوژی اسلامی است.» همایش‌ها و کنفرانس‌هایی که انقلابیون مسلمان در این مرکز ترتیب دادند، افراد زیادی را جلب کرده و باعث مردمی کردن انقلاب اسلامی در ایران شد**

■ **بافت شرکت‌کنندگان در شبکه‌های غیررسمی**

اکنون پرسش این است، چه کسانی در این شبکه ارتباط اجتماعی غیررسمی مشارکت می‌جستند؟ به غیر از روحانیون و بازاریان، دو گروه در این شبکه حضور دارند. بخش اعظم آنها، مرکب است از شهرنشینان طبقه متوسط و فقیر و همچنین گاهی روستاییان. در ایران قدیم یعنی در جایی که مردم روستاها از زندگی اجتماعی شهری به دور بوده‌اند، بازار به‌عنوان مجرای ارتباطی نقش مهمی ایفا می‌کرد، مجرایی که از طریق آن اندیشه‌ها و رسومات شهری در روستاها پراکنده می‌شود. به بازار رفتن برای دهقان فرصتی است اقتصادی و اجتماعی و قهوه‌خانه بازار از محل‌های ویژه‌ای است که در آن بین شهری و روستایی تماس برقرار می‌شود.

یکی دیگر از گروه‌های تشکیل‌دهنده این شبکه ارتباط غیررسمی، افرادی بوده‌اند که معمولاً به آنها «عیاران» اطلاق شده است. این افراد که از ابتدای قرن نوزدهم گاهی در تظاهرات به طرفداری یا برضد حکومت مشارکت می‌جستند، تا عهد پهلوی نیز در تاریخ معاصر حضور فعال داشته‌اند. نقطه تمایز آنها از روحانیون و بازاریان، استفاده مکرر از خشونت بود. آنها نیز دارای سلسله مراتب و رؤسای خود بودند. محل فعالیت این افراد در تهران در میادین تره‌بار است که معمولاً خارج از بازار واقع می‌شود. برخی از آنها با شور و حرارت در مراسم مذهبی و روضه‌خوانی و تعزیه شرکت می‌کردند. این گروه افراد خود را، از میان پایین‌ترین طبقات جامعه انتخاب کرده‌اند؛ یخ‌فروشان، قهوه‌چی‌ها، کبابی‌ها و حتی گاهی دکانداران کوچک. به نظر می‌رسد که انحطاط رویکرد زورخانه، از دلایل ظهور این گروه باشد. در سده اخیر، گروهی از لوطیان با برقراری ارتباط تنگاتنگ با حکومت پهلوی، مبدل به اوباش تحت ریاست آنان شده بودند. یکی از معروف‌ترین این افراد، شعبان جعفری است.

■ **بازاریان به مثابه شکل‌دهندگانِ شبکه سنتی**

در نگاه نخست، بازاریان مردمی معتقد و سنتی و دارای ظاهری ساده، باهوش و معروف به قناعت هستند. جریان داشتن همزمان کالا و پول و سازماندهی تبادل و تولید، نوعی سلسله مراتب را در میان این صنف به‌وجود می‌آورد. در رده نخست، افرادی هستند که با تولید کالا و سرمایه سروکار دارند، مانند تجار و صراف‌ها، این افراد معمولاً در دکان‌های بسیار کوچک و در کاروانسراها کار می‌کنند. این سادگی در رفتار روزانه و ظاهر آنها نیز نمایان است. تجار و صراف‌ها به لطف تنوع و گستردگی فعالیت، منبع پول و اعتبار نظام بازار را در اختیار خود دارند. واسطه‌ها گروه دوم بازاری‌ها هستند که معمولاً حیات اقتصادی‌شان وابسته به لطف و عنایت تجار و صراف‌هاست. در واقع، واسطه با اینکه نقش مهمی در بازار ایفا کرده و عملکرد آن را به‌خوبی می‌شناسد، اما اگر تجار بخواهند می‌توانند به راحتی او را از بازار حذف کنند. گروه بعدی، خرده‌فروشان و پیشه‌ورانند که معمولاً مذهبی‌تر از تجار هستند. فعالیت این گروه به شکل اصناف است و هرگز مستقل نبوده و این اصناف وسیله کنترل گروه‌های بالاتر بر بازار بودند. افراد این گروه اغلب به مسجد، زورخانه و گرمابه‌های عمومی می‌رفتند. رفتار خانوادگی آنها بسیار محافظه‌کارانه بوده و معمولاً حامل ایدئولوژی بازار بودند. انسجام و وحدت بازار که گروه‌های مختلف با منافع اقتصادی متضاد را به هم پیوند می‌دهد، بستگی به خصلت پیچیده این نهاد داشت. بازار همزمان نهادی اقتصادی- اجتماعی است که در آن، چیزی که از لحاظ اقتصادی معقول نیست، از لحاظ اجتماعی عاقلانه می‌شود. از دیاد واسطه‌ها، وجود افرادی که چندان در تولید نقش ندارند، روابط بسیار سست میان هزینه تولید و قیمت‌ها، افزایش بی‌حد و حصر اعتبار، یعنی مسائلی که از نظر اقتصادی چندان واضح نیستند، باعث ایجاد نوعی شبکه ارتباط تجاری می‌شود که به جای کاهش تفاوت‌های اقتصادی، رد آنها را گم می‌کند. سادگی و برابری ظاهری، خالق نوعی ایدئولوژی، هویت و فرهنگ بازاری است که به بازار امکان می‌دهد در درون شبکه روابط اجتماعی به طور منسجم عمل کند.

در چارچوب بازار، بازاری‌ها از دستورات رهبران خود چه در مسائل اقتصادی، چه در مسائل اجتماعی و سیاسی پیروی می‌کردند. این رهبران - که به آنها معتمدین گفته می‌شود- در تهران نفوذ بسیاری داشتند. این معتمدان به ویژه در دخالت بازار در مسائل نقش مؤثری ایفا کردند. از قرن گذشته به بعد هم، آنها برخی مسئولیت‌های اجتماعی را به عهده دارند که دولت عمداً آنها را نادیده گرفته است. آنها علاوه بر امور اقتصادی، در ساخت مدارس، یتیم‌خانه‌ها، بیمارستان‌ها، تهیه غذا برای فقرا به هنگام جشن و عزاداری‌ها، یاری رساندن به قربانیان حوادث طبیعی ساخت کاروانسراها، پل‌ها، کانال‌های آبرسانی نیز فعالیت داشته‌اند. بازاریان کارهای خود را به دور از خشونت و خودنمایی انجام داده و معمولاً به انجام کارهای نمادین تمایل دارند. بی‌آنکه خودی نشان دهند، از پاره‌ای از کنش و واکنش‌های سیاسی پشتیبانی کردند. مثلاً هزینه چاپ کتب ممنوعه را تقبل نمودند. این کتاب‌ها که خیلی زود ضبط و جمع‌آوری می‌شدند، خیلی زود هم دوباره به چاپ می‌رسیدند. رژیم شاه برای تجدید چاپ کتاب‌هایی که باب طبعش نبود، سانسور را بعد از چاپ کتاب اعمال می‌کرد، در نتیجه هزینه بسیار زیادی به ناشر تحمیل می‌شد. این روش سانسور باعث می‌شد که انتشاراتی‌ها در مقابل کتاب‌های مسئله‌دار، بسیار محتاط عمل کنند، مگر آنکه بازاری‌ها هزینه چاپ آن را متقبل شوند. نمونه آن چاپ کتاب غرب‌زدگی جلال آل احمد بود.

تشکل درونی بازار به آن امکان می‌داد که روابط خود را با روشنفکران دانشگاهی و برخی گروه‌های سیاسی مخالف که در چارچوب شبکه سنتی جای نمی‌گیرند، حفظ کنند. نهضت آزادی به رهبری مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، از آن جمله بود. افراد زیادی از استادان و دانشجویان نیز، خود از خانواده‌های بازاری بودند. از طریق دانشگاه‌ها و سازمان‌های سیاسی، بازار می‌توانست با اقشار و گروه‌هایی ارتباط برقرار کند که روحانیت نسبت به آنها چندان علاقه‌ای ندارد و بدین ترتیب، نقش مجرای ارتباطی در میان گروه‌هایی را بازی کند که معمولاً با هم سازگاری ندارند.

■ **پیوند تاریخی بازاریان با روحانیون در طول تاریخ**

دنیای بازاریان و روحانیت بسیار در هم تنیده است. قسمتی از مکان‌های بازار، خود جزو موقوفات دینی بوده و بازارها اغلب دارای چندین مسجد و حسینیه هستند. در فراسوی این ارتباط فیزیکی، این اصناف هستند که فاصله میان اصول درونی سنت و جنبه‌های زندگی روزانه بین فروش کالا در بازار و ساخت مسجد را پر می‌کنند. مغازه‌های بسیاری در بازار چسبیده به مساجد هستند و این خود بیانگر ارتباط عملی میان حیات تجاری و دینی بوده است. بازاریان در واقع زنجیره‌های ارتباطی میان مردم و مجتهدین محسوب می‌شوند. بین خانواده‌های بازاری و روحانی به ویژه بین خانواده‌های بزرگ ایشان، ارتباط خویشاوندی فراوان است. پایبندی به دینداری در فعالیت اقتصادی بسیار مهم است. التزام به دینداری در میان بازاریان به عملکرد دین به مثابه ملاک قابل قبول ثروتمند بودن و همچنین به‌عنوان وسیله کسب و حفظ شهرت فردی مربوط است. هم از این روی ارتباط میان بازار و روحانیت به ویژه در تهران، هماره بسیار تنگاتنگ بوده است. اکثر روحانیون قدرتمند تهران از بازار و مساجد آن به‌عنوان مرکز فعالیت خود استفاده می‌کنند.

از آغاز قرن، روحانیون و بازاری‌ها در جنبش‌های اجتماعی- سیاسی دوشادوش هم عمل کرده‌اند؛ چراکه دارای رویکردهای مشترکی بوده و در کل با گروه‌ها و طبقات مشابهی سروکار دارند. برخی از روحانیون حتی آشکارا از جایگاه پیروان بازاری خود دفاع می‌کنند. بعد از شکست نهضت ملی، حکومت شاه با نزدیکی به برخی از روحانیون سعی کرد در میان بازار پایگاهی برای خود کسب کند. آیت‌الله بهبهانی ترجیحاً به‌عنوان طرف گفت‌وگو انتخاب شد. روحانیون ایرانی، در عین حال که عناصر اساسی فرآیند انقلاب اسلامی بودند، توانستند خواسته‌های اقشار گوناگون مردم را نمایندگی و در مواضع خود منعکس سازند. روحانیت شیعه برخلاف روحانیت سنی ساختارمند است. در رأس هرم، مراجع قرار دارند. قدرت روحانی شیعه دوگانه است. در وهله نخست از راه جمع‌آوری وجوه شرعیه، به منبع مالی مستقل از حاکمیت دسترسی دارند. هر مسلمان شیعه از سوی عادت وجوه شرعیه را به مرجع تقلید خود می‌پردازد. این وجوه توسط پیروان محلی مرجع تقلید جمع‌آوری می‌شود. در وهله دوم، قدرت اقتصادی روحانیت شیعه ناشی از موقوفات و مساجد است. چگونگی اداره این موقوفات در سال ۱۳۴۲ به هنگام انقلاب سفید و اصلاحات ارضی موجب اختلاف شدید میان حکومت و روحانیون شد. در نهایت به علت بسیج افکار عمومی از طرف روحانیون، شاه مجبور به عقب‌نشینی در این باره شد. با توجه به نکات فوق نقش بازار در کنار نقش روحانیون در شکل‌گیری و گسترش انقلاب بیش از پیش تأثیرگذار بود.

■ **رضاخان و آغاز و انجام مناسبات او با نهادهای سنتی اجتماعی**

رضاشاه قبل از به قدرت رسیدن و در ابتدای کار خود می‌کوشید وجه‌های دینی از خود به نمایش بگذارد و به این شیوه از حمایت علما، بازاریان و گروه‌های سنتی برخوردار شود. او که در این مرحله چندان موفق نبود، کمی پس از به قدرت رسیدن، با مقابله تند و خشن با روحانیون و مخالفان دینی اقدامات خود، عرصه را هر چه بیشتر بر این قشرها تنگ‌تر کرد. اقدامات ضددینی رضاشاه، فضا را برای قدرت گرفتن روشنفکران فراهم کرد. بسیاری از خواسته‌های گروه‌های نوخواه و متجدد در این دوره عینیت یافت؛ از جمله عرفی‌سازی دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی و آموزشی که افزایش چشمگیری داشتند. نوسازی ایران به شیوه غربی در دوره رضاشاه به موقعیت و قدرت روحانیون و علمای دینی آسیب فراوان رساند. اقتباس از قوانین غربی در حوزه‌های مختلف نقش و اهمیت شرع اسلام را کاهش داد؛ همچنین کوشش در زمینه کشف حجاب زنان و تغییر لباس مردان به فرهنگی که روحانیون پاسدار آن بودند آسیب رساند. بدین ترتیب گروه‌های سنتی، علما و بازاریان یکی از قشرهای جامعه بودند که تقریباً از اوایل حکومت رضاشاه از مخالفان حکومت وی به‌شمار می‌آمدند و تا پایان حاکمیت خویش به این تقابل ادامه دادند.